

روابط تجاری ایران و شوروی و تشکیل «نهضت اقتصاد» در اوایل عصر پهلوی

دکتر سهیلا ترابی فارسانی*

چکیده

نهضت اقتصاد نام یکی دیگر از تشکلهای تجاری ایرانی در سالهای پس از جنگ جهانی اول بود. تغییر رژیم سیاسی در روسیه و ایجاد شرایط جدید در روابط تجاری این کشور با ایران موجب بحران در تجارت با روسیه شد. از این رو تجار ایرانی واکنشهای متعددی از خود نشان دادند، از جمله نوشتن نامه‌های اعتراضی به ارکان دولت، مجلس، روزنامه‌ها و نهادهای تجاری و سرانجام تأسیس تشکیلاتی با نام نهضت اقتصاد. این تشکل بازتاب انسجام درونی این طبقه و امکانی بود برای تقاضاهای تجار که در جنبش مشروطه با ناکامی مواجه شده بود. تجار در آغاز دولت جدید امید داشتند این خواستها محقق شود.

واژه‌های کلیدی

تجارخانه، اتحادیه تجار، کمیسیون تجارتي، اتاق تجارت، شورای عالی تجارت، نهضت اقتصاد.

*- استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

روابط تجاری ایران و شوروی

و تشکیل «نهضت اقتصاد» در اوایل عصر پهلوی^۱

یکی از عمده‌ترین مسائل تجاری تجار در سالهای پس از جنگ بین‌الملل اول، بحران تجارتهای ایران با همسایه شمالی بود. به دلیل تحولات سیاسی، بروز انقلاب و تغییر رژیم سیاسی روسیه، شرایط جدیدی در روابط این دولت با ایران ایجاد شد که تجار ایرانی را به واکنشهای متعددی کشاند. نوشتن نامه‌های اعتراضی به ارکان دولت، مجلس، روزنامه‌ها، تلاش هیأت اتحادیه تجار^۲ در راهیابی و اعزام نماینده‌ای برای مذاکره در مورد مشکلات و در نهایت ایجاد «نهضت اقتصاد» بود که به گونه‌ای گویای انسجام درونی این طبقه و واکنشی در مقابل ضعف سیاست خارجی دولت محسوب می‌شد. برای فهم شرایط پیدایش تشکل گروهی تجار در «نهضت اقتصاد» که در اوایل دولت پهلوی بروز یافت لازم است به تشریح مشکلات تجاری ایران با دولت شوروی از نخستین سالهای پس از پیروزی انقلاب شوروی بپردازیم.

بحران تجارتهای ایران و شوروی

نزدیکی سرزمین‌های دو کشور ایران و روسیه به یکدیگر، مجاورت ایالات حاصلخیز ایران با روسیه، تعداد بسیار تجار ایرانی که در تجارت با روسیه فعال بودند، مشترکات فرهنگی، شیوه‌های معیشتی و وضعیت زندگی مشابه مردم مناطقی از روسیه با ایرانیان و عادت کردن بخشی از ساکنان قفقاز، از جمله مسلمانان این منطقه، به استفاده از کالاهای ایرانی، از جمله عوامل رونق تجارت ایران و روسیه طی سالیان بسیار بود. سابقه کوتاه روسیه در تولید صنعتی، واردات از این کشور را محدود ساخته و نوعی توازن تجاری به مبادلات این کشور با ایران بخشیده بود. از عمده کالاهای ایرانی که در بازارهای روسیه به فروش می‌رسید می‌توان به پنبه، برنج، خشکبار، مرکبات و پوست اشاره کرد. همچنین عمده کالاهای وارداتی از روسیه به ایران قند و شکر، نفت و بنزین و آهن‌آلات بود (42/P.XA6 - XA7). بخش عمده‌ای از صادرات ایران به روسیه منتقل می‌شد و تجار شمال کشور بیشترین مبادله را با این کشور داشتند.

وقوع انقلاب شوروی، جنبش جنگل و حوادث نظامی در این منطقه به کلی تجارت این بخش کشور را در هم ریخت. در سال ۱۳۳۶ / ۱۹۱۸ نماینده دولت جدید

شوروی در ورود به تهران تمامی معاهده‌ها و امتیازهای منعقد شده بین دولت تزاری و ایران را که با استقلال ایران مغایر بود، لغو کرد. در مراسله‌ای که کمیساریای ملی امور خارجه دولت جدید به تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ ارسال داشت همه اصول و مبانی سیاست شوروی نسبت به ایران به طور رسمی اعلام شد و همه قراردادهایی که دولت تزاری بر ایران تحمیل کرده بود، لغو گردید. بر اساس این اصول، تمامی وامها، امتیازها، خطوط تلگراف، راهها، راه‌آهن و بانک استقراضی با همه شعبه‌ها و «متعلقات ارضی» به ملت ایران واگذار شد. حق قضاوت کنسولی اتباع روسیه لغو گردید، کشتیرانی در دریای خزر آزاد اعلام شد و دولت شوروی حق تصرف در عواید گمرکی، تلگرافی، پستی و مالیاتی ایران را از خود سلب نمود. در این مراسله حق عبور و حمل هر گونه کالای تجارتي به صورت «ترانزیت» از روسیه به هر مکانی آزاد اعلام گردید و دولت شوروی حاضر شد شرایط حمل کالاهای تجارتي ایران را با وسایل نقلیه روسیه از قبیل راه‌آهن و یا کشتی و امثال آن را فراهم نماید (۴۳/ص ۶-۷).

دولت ایران به سفیر و مراسله دولت انقلابی اعتنایی نکرد. در سال بعد نمایندگان که برای بستن قراردادهای جدید به ایران آمدند، بر اثر توطئه‌ای در مازندران اعدام شدند. به این ترتیب دولت ایران توانست از شرایط تاریخی به وجود آمده و نیاز دولت انقلابی روسیه به جلب اعتماد و موافقت کشورهای همسایه بهره گیرد و تا مدتی باب روابط مسدود شد. در دولت مشیرالدوله هیأتی به ریاست مشاورالممالک به روسیه رفت و توانست بعد از تأخیرهای زیاد، قراردادی با دولت شوروی منعقد کند؛ اما انعقاد قرارداد تجارتي به بعد موکول شد. در فصل نوزدهم و بیستم قرارداد ۱۳۴۰/۱۹۲۱ ایران و شوروی به تجدید روابط تجاری بین دو کشور اشاره گردید و اجازه حق ترانزیت به کالاهای تجاری دو کشور داده شد. عوارض گمرکی نیز مطابق معاهده «دول کامله‌الوداد» برقرار گردید (۹۰/ص ۲۸۳-۲۵۱). ولی متن قرارداد فقط به صادرات اشاره کرده بود^۳ و مشاورالممالک که مسؤول عقد قرارداد بود، متوجه این مطلب نشده بود (۸۹/ج ۳، ص ۵۵۱). در مجلس چهارم در مورد فصل بیستم قرارداد، صحبت‌های زیادی شد و مجلس متکی به مذاکره کتبی با سفارت شوروی مبنی بر روشن کردن این فصل قرارداد، آن را تصویب کرد. در زمان قوام، اجازه تشکیل شعبه‌هایی از تجارتخانه‌های شوروی در ایران داده شد (۴۵/ص ۲۲).

دولت شوروی تجارت خارجی خود را به صورت انحصاری در دست چند مرکز تجارتهی مشخص قرارداد و ممنوعیت‌هایی را اعمال کرد که دست تجار ایرانی از تجارت شمال کوتاه شد. دولت شوروی مقررات به‌خصوصی در گمرک و مرزهای خود با ایران اعمال کرد. اداره گمرک مشهدسر از ممنوعیت موقتی صدور مرکبات در گمرک بادکوبه گزارش داد؛ همچنین از تجارتخانه‌های روسی در مشهدسر نام برد که بخش اعظم واردات از قبیل قند و شکر، آرد، چینی‌آلات، منسوجات و صادرات برنج را در انحصار خود قرار داده‌اند.^۴ دولت شوروی برای ایجاد توازن واردات و صادرات کشور خود، دخالت در امور تجارتهی را افزایش داد. شوروی اجازه ترانزیت کالاهای ایرانی از داخل خاک روسیه را نداد و اموال تجار ایرانی را توقیف کرد.

معین‌التجار برای باز پس گرفتن تخم نوغانی که از خارج خریداری و در گرجستان توقیف شده بود، با رئیس اداره انحصارات دولت شوروی وارد مذاکره شد (۴۶/ص ۴).

دولت شوروی نه تنها تجارت داخل کشور خود که تجارت ایران با این کشور را در انحصار تجارتخانه‌های خاصی قرار داد که بجز از طریق آنان، تجار ایرانی امکان صادرات و واردات کالا به این کشور را نداشتند مگر با مجوز که برای گرفتن مجوز نیز رقم بسیار زیادی باید پرداخت می‌شد. علاوه بر این بجز در دوران بازار مکاره بادکوبه - که در زمان محدودی برگزار می‌شد - مبادله کالا به صورت آزاد غیر ممکن بود (۴۷). پس از تجدید روابط تجاری با شوروی تجارتخانه‌های ونشتورک (Venshtork) و ساتریایوز (Centersayoz) همه معاملات تجارتهی را تحت سیطره خود در آوردند. دولت شوروی امکانات ویژه‌ای در اختیار آنان قرار داد از جمله صدور اجناس روسی که حمل آن برای سایرین ممنوع بود، معافیت در پرداخت ده درصد گمرک روسیه، استفاده رایگان از کشتی و راه‌آهن برای حمل و نقل اجناس و در دست داشتن دواير دولتی به‌خصوص گمرک و حمل و نقل شهری.^۵ توسعه عملیات این تجارتخانه‌ها تجارت شمال ایران را کاملاً در اختیار دولت شوروی قرار می‌داد.

قیمت‌گذاری بر کالاهای صادراتی ایران را مراکز تعیین شده دولت شوروی انجام می‌داد. قیمت پنبه ایران را اداره پنبه شوروی و به قیمت نازل تعیین می‌کرد. خرید و فروش پنبه در انحصار دولت بود. ماشین‌های پنبه‌پاک‌کنی و عدل‌بندی در مقاطعه و

اجاره اداره پنبه روسیه بود و بدون آن پنبه ایران امکان حمل نمی‌یافت. حمل پشم ایران به شوروی منوط به اجازه کمیساریای تجارت خارجی دولت شوروی بود. کمیساریای ملی تجارت شوروی بر کیفیت کالاها نیز نظارت داشت (۴۸/ص ۳). عبور و مرور کاروان‌های تجارتنی در سرحدات خراسان بازرسی و برای عبور مکاری‌ها و سرحدنشینان مطالبه ویزا می‌شد (۴۹ / ص ۱۰)، حتی چند تن از تجار ایرانی به علت معامله برات و پولهای خارجی در مسکو و بادکوبه توقیف شدند (سند ش ۳).

در ۱۹۲۳ میلادی، «اتاق تجارتنی روسیه با ممالک شرق» در مسکو تأسیس شد. این مرکز به منظور افزایش آگاهی‌های تجارتنی و آشنایی با ویژگیهای تجارتنی کشورهایی چون ایران، ترکیه، افغانستان، مغولستان، چین و ژاپن تأسیس شد. جلسه‌های کنفرانس و سخنرانی، تأسیس شرکتهای حمل کالا به ممالک شرق، ایجاد نمایشگاه همیشگی برای صادرات و واردات به روسیه، برقراری ارتباط تجاری مابین تجارتخانه‌های روسیه و دیگر کشورها و دادن اطلاعات لازم به هر یک از آنها از برنامه‌های این مرکز بود. این اتاق تجارتنی زیر نظر «کمیسیون تجارت داخله» - که جزو «اداره شورای صناعیه و دفاعیه» بود - اداره می‌شد. کیفیت، وزن، قیمت و نوع جنس مورد نیاز در مبادله از سوی همین اتاق تجارت تعیین می‌شد.^۷ همچنین «کمیسیون تجارتنی» و «کمیته بورس تجارتنی مسکو» برای گسترش عملیات تجارتنی با ایران، افغانستان و چین در مسکو تأسیس شد. آنان قصد داشتند از همکاری برخی تجار آگاه به تجارت شرق بهره گیرند. علی‌آقا درودی و چند تن دیگر با این کمیسیون همکاری کردند. «کمیسیون تجارتنی» روسیه اعلام کرد، قصد دارد از حضور «دستجات عمده دلال‌هایی که از معاملات شرق به‌خوبی مطلع و تجار شرقی را کاملاً می‌شناسند»، بهره گیرد (۵۰/ص ۳). در واکنش تجار به انحصار تجارت در شوروی برخی تجار قفقازی با اتحادیه تجار مشهد مخالفت و بیانیه اتحادیه تجار را پاره کردند. این امر به درگیری مخالفان و موافقان اتحادیه در بازار منجر شد که گزارش آن به دربار نیز ارسال شد (سند ش ۵). این اختلافها بین برخی تجار متوسط که نقش دلالی برای تجارتخانه‌های روسی را بازی می‌کردند و طیف وسیع تجار هوادار اتحادیه بالا گرفت.

ناتوانی تجار در انجام عملیات تجارتنی باعث شد، علاوه بر کمک‌خواهی از دولت، برای حل مسائل تجارتنی خود به تجار با نفوذی همچون امین‌الضرب نیز

متوسل شوند. حاج عباس علی ملکی در مورد صدور پنبه و خرید نکردن کارخانه‌های روسی از تجار ایرانی که بر اساس دستور دولت شوروی انجام می‌شد، برای حل این مشکل از امین‌الضرب خواست با مسئولان دولت شوروی وارد مذاکره شود (سند ش ۶). تاجر عمده انزلی و هیأت اتحادیه تجار این منطقه از انحصار تجارت در دست تجارخانه‌های شوروی (۵۱ / ص ۲: ۵۲ / سند ش ۹) همچنین اخذ مبلغ کلان گمرکی و لزوم صدور جواز برای کالاهای ایرانی، (سند ش ۷) و الزام گمرک روسیه که در مقابل صدور مال‌التجاره از ایران، مطالبه خرید کالاهای روسی می‌نمود (سند ش ۸). شکایت کردند. آنان همچنین در نامه‌ای به مجلس شورای ملی به برقراری تعرفه گمرکی فوق‌العاده به کالاهای ایرانی، عدم صدور جواز حمل کالا به ایران و منحصر شدن تجارت به چند تجارتخانه روسی از جمله ونشتورک و سائترسایوز اعتراض کردند. این تجارتخانه‌ها نه تنها صادرات کالا از ایران به شوروی را به خود اختصاص داده بودند که از فروش کالاهایی که تجار ایرانی وارد می‌کردند، جلوگیری می‌نمودند (۵۲/ص ۲). این انحصار در حمل مال‌التجاره نیز وجود داشت. به دلیل کمبود وسایل حمل و نقل، کشتی‌های شوروی که هر ۱۵ روز یک‌بار به سواحل ایران می‌آمدند، ابتدا کالاهای تجارتخانه‌های شوروی و در صورتی که جایی باقی می‌ماند اموال تجار ایرانی را حمل می‌کردند.^۷ این انحصار موجب شد که تعیین قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی در دست این تجارتخانه‌ها قرار گیرد (۵۴ / ص ۱) و این امر برای تجار ایرانی که تا پیش از این تجارت آزاد را تجربه کرده بودند، قابل درک نبود.

تجار رشت، مشهدسر، استرآباد و بارفروش طی نامه‌های مفصلی به مجلس شورای ملی به افزایش عوارض گمرک شوروی برای اجناس وارداتی به این کشور، به چندین برابر قیمت کالا و فروش چندین برابر قیمت کالاهای روسی و عملکرد انحصارگراانه تجارتخانه‌های ملی دولت شوروی اعتراض کردند. آنها اعلام نمودند تا زمانی که دولت راه‌حلی برای این مسأله در نظر نگیرد، تلگرافخانه را ترک نخواهند کرد.^۸ اتحادیه تجار تهران نیز در حمایت از اعتراض‌های تجار شمال کشور با مجلس شورای ملی مکاتبه کرد و ضمن اسفبار دانستن شرایط تجارتی شمال کشور و ورشکستگی تجار ایرانی پیشنهادهایی به مجلس ارائه داد. از جمله این پیشنهادها،

تشکیل یک کمیسیون اضطراری با حضور چندتن از نمایندگان مجلس، دولت و تعدادی از تجار برای یافتن راه‌حل و خلاصی از شرایط ایجاد شده بود (سند ش ۱۲).

اتحادیه تجار در نامه‌ای که به وزارت امور خارجه نوشت به منظور بهبود شرایط ایجاد شده، پیشنهادهایی مطرح کرد: دولت ایران معاهده تجارتي که قرار بود با دولت شوروی منعقد کند با نظر تجار تنظیم نماید؛ برای مدت شش ماه به طور موقت تجارت آزاد اعلام گردد و به صورت پایاپای و یا بر اساس وجه نقد طلا و نقره انجام گیرد و قبول اسکناس به کلی ممنوع باشد؛ دولت شوروی ترانزیت کالا از ایران به اروپا و برعکس را با امضای دولتهای آذربایجان، گرجستان و ارمنستان آزاد اعلام نماید و مراکز داد و ستد با نظر تجار محدود باشد (سندش ۱۳). نکته قابل توجه در این مسأله آن بود که فشار عامل خارجی موجب انسجام و تشکل گروههای داخلی شد. تجار سراسر کشور به طور یکپارچه و منسجم در مقابل انحصار تجارتي دولت همسایه واکنش نشان دادند. گروهی از زارعان نیز در حمایت از خواستههای تجار به مراکز دولتی تلگراف زدند. موانع صدور کالا و ناتوانی تجار در فروش محصولات کشاورزی بی‌تردید بر قیمت این گونه کالاها تأثیر گذاشت و قیمت آن به شدت کاهش یافت (سندش ۱۴). این امر تظلم زارعان مازندرانی به مجلس شورای ملی و وزارتخانه‌های مربوط را به دنبال داشت. آنان از «گمرک فوق تصوری» که به کالاهای ایرانی بسته شده و موجب گردیده بود قیمت محصول زراعتی پنبه به صفر برسد، شکایت کردند و خواهان مداخله دولت شدند (سندهای ش ۱۵).

معاملات به حداقل رسید و قیمت منات شوروی به شدت کاهش یافت. بسیاری از تجار ایرانی ورشکست شدند. آنان اعلام کردند که انعقاد سریع قرارداد تجاری که حوزه عمل تجارتخانه‌ها و وظایف مأموران طرفین را مشخص کند، خواهد توانست به مشکلات پایان دهد (۵۵/ص ۱). این شکایت‌ها در روزنامه‌ها و مجلس بازتاب زیادی یافت. یکی از نمایندگان مجلس به نام سرکشیک‌زاده در تحلیل وضعیت ناهنجار تجار شمال کشور، اشکال اصلی را منحصر بودن راههای شمالی به شوروی دانست و طرح توسعه راهها و امکان صدور کالاهای منطقه شمال به کشورهای دیگر را یکی از راه‌حل‌های مناسب برای خارج شدن تجار از این بحران عنوان کرد (۵۶/ص ۲).

وزارت فواید عامه در مکاتبه با وزارت خارجه ضمن اسفناک خواندن تجارت شمال عنوان کرد که با امتیازها و تسهیلاتی که دولت شوروی در مورد تجارتخانه‌های ونشتورک و سانترسایوز رعایت می‌کند، برفرض آزاد بودن تجارت، رقابت تجار ایرانی با آنها غیر ممکن خواهد بود (سند ش ۱۶). اداره گمرک نیز ضمن گزارشهای متعدد از وضعیت تجار ایرانی برای صدور کالاهای خود به روسیه شرایط موجود را اسفبار خواند و اعلام کرد گمرک بادکوبه برای اجناس ایرانی تعرفه اروپایی اعمال می‌کند. اداره گمرک قفقازیه اعلام کرده است در صورتی که تجار ایرانی به اسم خود مبادرت به حمل کالاهای تجارتنی نمایند و این مبادله از طریق تجارتخانه‌های ملی دولت شوروی صورت نگیرد، تجار موظف به پرداخت تعرفه گمرک اروپایی می‌باشند (سندهای ش ۱۷). با وجود مذاکره‌های ایران با دولت شوروی برای بهبود شرایط تجاری مناطق شمال، این کشور همچنان بر مبادله پایاپای تأکید نمود (سند ش ۱۸). اداره گمرک ضمن گزارش فعالیت‌های گسترده تجارتخانه‌های ملی شوروی به بروز تغییراتی جزئی در رویه گمرک این کشور اشاره می‌کند و اعلام می‌نماید مأموران دریایی شوروی از ورود کالاهای غربی به کشورشان جلوگیری می‌کنند و کماکان نظارت دولتی بر ورود و خروج کالا اعمال می‌شود (سندهای ش ۱۹).^۹ از طرف دولت جمهوری سوسیالیستی شوروی اعلان شد که در مدت برگزاری بازار مکاره بادکوبه که به مدت یک‌ماه و نیم به طول می‌انجامد، ارسال کالاهای ایرانی بدون مجوز دولتی آزاد می‌باشد (۵۸ / ص ۱). اما این تغییرات جزئی و محدود نتوانست تغییری در مشکلات عمده تجار ایرانی ایجاد کند.

از تقی‌زاده که در برلن به سر می‌برد، خواسته شد برای مذاکره با دولت شوروی در رأس هیأتی به این کشور سفر کند (۵۹ / ص ۲). ظاهراً اعزام این هیأت به خواست و تحت فشار تجار صورت گرفت که خواهان برقراری روابط آزاد تجاری با شوروی بودند (۸۷ / ج ۱، ص ۵۶؛ ۸۹؛ ج ۳، ص ۵۵۲-۵۵۱). با بروز نارضایتی گسترده، روزنامه‌ها به نقد قرارداد ۱۳۴۰ / ۱۹۲۱ ایران و شوروی پرداختند (۶۰ / ص ۸-۱۲؛ ۶۱ / ص ۳). مذاکرات و رفت و آمدهای پیاپی سفرا و نمایندگان دو کشور به درازا کشید و بحران تجارتی شمال کماکان تا اوایل دوران پهلوی ادامه یافت. هفتاد تن از تجار و رؤسای اصناف مرکز با ریاست وزرا ملاقات کردند و دیدگاه‌های خود را در مورد تجارت شمال ارائه دادند. آنان خواهان سرعت بخشیدن به عقد قرارداد تجارتی با شوروی

شدند و پیشنهاد کردند تجارت با شوروی به صورت هشتاد درصد مبادله جنسی و بیست درصد نقدی باشد. آنان خواهان ترانزیت بدون قید و شرط از طریق روسیه شدند (۶۲/ص ۱). ایران با دولت شوروی وارد مذاکره شد. روزنامه‌ها به تشریح مواضع طرفین پرداختند.^{۱۰} اداره گمرک تأکید دولت شوروی به خرید معادل صادرات کالا از سوی تجار ایرانی را مغایر منافع ملت ایران دانست و بر صادرات و خروج کالاهای ایران تأکید کرد (سند ش ۲۰).

اتاق تجارت با وزیرمختار دولت شوروی و نماینده تجارت آن دولت در وزارت فواید عامه در اجرای مقررات تجارتی مذاکره کردند (۶۳/ص ۱).^{۱۱} شورای عالی تجارت تشکیل و خواستار انعقاد هر چه سریعتر قرارداد تجاری ایران و شوروی شد و پیشنهادهای خود را نیز مطرح کرد (۶۴/ص ۲؛ ۶۵/ص ۱). نمایندگان تجاری ایران به ریاست امین‌الضرب که ریاست اتاق تجارت تهران را نیز به عهده داشت برای تکمیل مذاکرات وارد مسکو شدند. در این مذاکرات، رئیس اتاق تجارت روسیه و شرق طی نطقی اعلام کرد توسعه روابط اقتصادی و ارائه راه‌حل موجب رونق اقتصادی دو کشور می‌شود. در این ملاقاتها قرار بر ایجاد کمیسیونی برای حل مسائل تجارتی بین دو کشور شد (۶۶/ص ۱۱-۹). بسیاری معتقد بودند که دولت شوروی در تنظیم عهدنامه و اجرای قانون مشخص گمرکی تعلل می‌کند (۶۷/ص ۱۴-۱۳).^{۱۲} سرانجام با مذاکرات نمایندگان دو کشور پیش‌نویس عهدنامه تجارتی ایران و شوروی تنظیم شد. اما این قرارداد نیز همچنان محدودیت‌های زیادی اعمال می‌کرد. معاملات تجاری همچنان به صورت پایاپای و تاجر ایرانی دارای سهم مشخص مبادله تجاری بودند. اتاق تجارت روسیه اعلام کرد آگاهیهای مربوط به قیمت اجناس، مظنه بورس در بازار مسکو و کلیه موارد آماری را در اختیار دولت ایران قرار خواهد داد (۶۹/ص ۲۸-۲۷؛ ۷۰/ص ۱)، اما این مواد اجرایی نیز به‌طور کامل مسائل تاجر ایرانی را حل نمی‌کرد.

پیدایش نهضت اقتصاد

با ادامه شرایط نامناسبی که با اعمال دیدگاه خاص اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی برای تاجر ایران به وجود آمده بود، تاجر به شیوه‌های مختلف مسائل و مشکلات خود را چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی و از طریق اتحادیه تاجر بیان می‌کردند. با این حال بحران اقتصادی ایجاد شده همچنان تا اوایل دوران پهلوی ادامه

یافت. گو اینکه در قرارداد ۱۳۴۰ / ۱۹۲۱ ایران و شوروی بر تسریع انعقاد قرارداد تجارته مابین دو کشور تأکید شده بود ولی دولت شوروی از انجام آن سر برمی تافت. در این مرحله تعرفه گمرکی نه بر اساس قرارداد ترکمانچای اعمال می شد نه به صورت مشخص دیگری تعیین شده بود. روس ها فقط بر «تعرفه عهدهی» تأکید داشتند که همین مسأله نیز بر مشکلات موجود افزوده بود.

تداوم این شرایط واکنش هایی را در بین تجار برانگیخت که به ایجاد تشکل جدیدی به نام «نهضت اقتصاد» انجامید. این تشکل حاکی از تبلور انسجام و اتحاد طبقاتی تجار و بروز خواستهای گروهی آنان در قالب یک «طبقه برای خود» بود. آنان به درستی خواستها و منافع گروهی خود را دریافته بودند و به شکل کاملاً تشکیلاتی و منظم با شبکه های خود در شهر و مراکز مختلف کشور مرتبط بودند و نامه ها و تلگرافهای خود به سران دولت را تنظیم و یکسان می کردند. این تشکل نتیجه تکمیلی تقویت ساختار درونی طبقه تجار بود که پس از اتحادیه تجار به گونه ای کاملاً منسجم عملکرد این طبقه را همگون و سامان یافته متحد می کرد. علاوه بر این، تجار در قالب این تشکلها، خواستها و جهت حرکت خود را به صورت یکسان مطرح کردند. آنان به حمایت دولت از تجار داخلی در مقابل سرمایه و قدرتهای خارجی نیاز نداشتند و از دولت تقاضای منع ورود کالاهای تجملی و ممنوعیت استفاده از کالاهای خارجی را خواستار شدند، تا بدین ترتیب به هدف خود که رونق صنایع داخلی و خودبستگی ملی بود، نایل گردند. در این مرحله همچون دوران جنبش مشروطیت که یکی از خواستهای تجار مداخله دولت و حمایت از تجار داخلی بود، دوباره این تقاضا به صورت جدیدی مطرح شد، با این تفاوت که در زمان بروز «نهضت اقتصاد» از فحوی بیانیه ها و تلگرافهای تجار چنین برمی آید که آنان دولت جدید را مورد وثوق می یابند و از طرف دیگر این شأن را برای خود قایل می شوند که در مذاکره برای انعقاد قرارداد تجاری با شوروی تقاضای حضور نمایندگان از تجار را بکنند.

تجار گیلانی در ۵ رجب ۱۳۴۵ / ۱۰ ژانویه ۱۹۲۷ در پاسخ به شرایط اسفبار اقتصادی خود تشکیلاتی به نام «جمعیت نهضت اقتصاد» ایجاد کردند. آنان دلیل وجودی چنین تشکیلاتی را چنین بیان می کنند (۷۱ / ص ۹):

«فقر و فاقه طبقات کاسبکار، مسکنت و پریشانی زارعان، ورشکستگی و اضمحلال تجار، احتضار و مرگ عمومی اجازه نمی‌دهد که بیش از این بردباری و سلامت‌طلبی و جانب‌داری را رعایت کرده و رضایت دهیم که حتی به استقلال و حاکمیت ملت ایران لطمه وارد شود... [تجار گیلانی] تصمیم گرفتند در مقابل اجحاف و تعرضات... نمایندگان ملت روسیه مقاومت ورزیده...»
تجار گیلانی خط‌مشی کلی خود در نهضت اقتصاد را در چند مورد به شرح زیر اعلام نمودند (۷۱ / ص ۹):

«۱- تقاضای توازن واردات و صادرات و معامله متقابل با دولت شوروی از دولت ایران.

۲- تقاضا نمودن از هیأت دولت و مجلس در غدغن کردن ورود اشیای تجملی از کلیه سرحدات ایران. برای اجرای مواد دوگانه فوق تصمیمات ذیل را متعهد شدند: ۱- شرکت نکردن در مکاره بادکوبه که در آتیه نزدیک افتتاح خواهد شد. ۲- درخواست برچیدن کلیه مؤسسات تجارتی دولت شوروی از اولیای معظم دولت. ۳- متقبل شدن تا انعقاد قرارداد تجارتی شرافتمندانه که متضمن منافع طرفین است، هیچ‌گونه معاملاتی با دوایر شوروی ننمایند. ۴- در صورت عدم مساعدت دولت با مستدعیات تجار قاطبه اهالی مجبور خواهند شد که به وسایل ممکنه از ورود امتعه به بنادر شمالی جلوگیری نمایند. ۵- کسانی که برخلاف مقررات مزبور رفتار نمایند منفوریت عامه را به خود جلب نموده و اعضای نهضت موظف خواهند بود خیانت چنین شخصی را به وسایل مقتضیه اعلان و از جامعه ایرانی طرد نمایند.»

خواسته‌های آنان بر محور توازن واردات و صادرات، غدغن کردن ورود اشیای تجملی، قطع معاملات تجاری با شوروی تا انعقاد قرارداد تجارتی و ممانعت از ورود کالا در بنادر شمالی بود. تجار وظایف عملی خود را شرکت نکردن در بازار مکاره بادکوبه و در صورت عدم مساعدت دولت به هر صورت ممکن جلوگیری از ورود کالا به بنادر شمال کشور اعلام کردند. آنان همچنین تجاری را که بر طبق این ضوابط عمل نمایند خائن و مطرود نامیدند و مورد تهدید قرار دادند. روزنامه‌ها با تشویق و ترغیب، تجار را همراهی کردند. *حبل‌المتین* عمل «نهضت اقتصاد» را «خشنونت مقدس» و

«جسارت مشروع» نامید و این برخورد را واکنشی طبیعی از ملتی «آزاد، زنده و مستقل» خواند که در مقابل «اجحافات سیاسی و اقتصادی بیگانه» مقاومت می‌کنند (۷۲ / ص ۷۸).

نهضت اقتصاد گیلان با تمامی تجار مرکز و سایر ایالات و ولایات به صورت کتبی و تلگرافی مرتبط شد. اتحادیه تجار همدان بیانیه‌ای در تأیید نظریه‌های «نهضت اقتصاد» خطاب به «مقامات عالی‌مملکتی» انتشار داد. در این بیانیه آمده است تجار، کاسب‌ها و صنعتگران بر سر «سفره خالی از طعامی» نشسته‌اند که به جای «اغذیه تصویر خوراکی‌ها» بر آن نقش شده. آنان افزایش بیکاری، کمبود نقدینگی و افزایش واردات را از مشکلات جدی اقتصاد کشور دانستند (سند ش ۲۲). آنان بر لزوم صنعتی شدن و تقویت کارخانه‌های نساجی، تقویت محصولات زراعی مورد نیاز و کارخانه‌های مرتبط به محصولات کشاورزی همچون نخ‌ریسی و قندسازی تأکید کردند. همچنین پیشنهاد کردند اداره واردات و صادرات، بر ورود و خروج کالاها نظارت کند و از ورود اشیای تجملی جلوگیری کند.

تجار همدان بر لزوم افزایش صادرات و بالا بردن کیفیت تولید محصولات زراعی و دامی و تقویت صنعت قالی‌بافی و بهبود شرایط حمل و نقل و ایجاد راه‌آهن اشاره کردند^{۱۳}. نهضت اقتصاد قزوین با حضور شصت و چهار نفر از تجار تشکیل شد. این جمعیت بعد از گردهمایی و ایجاد تشکل، در هر هفته یک‌شنبه و در صورت لزوم دو شب به تناوب جلسه‌هایی برگزار می‌کردند. هر بار جلسه در منزل یکی از تجار برگزار می‌شد.^{۱۴} تعداد افراد حاضر در یکی از جلسه‌های این جمعیت در حدود دویست و هفتاد نفر ذکر شده است (سند ش ۲۴).

«جمعیت نهضت اقتصاد قزوین»، طی بیانیه‌ای مواضع خود را اعلام کرد: در بیانیه این جمعیت از کسری صادرات ایران نسبت به واردات، عملکرد انحصارطلبانه مؤسسه‌های تجاری شوروی که آنان را به «سرمایه‌داران حریص دول کاپیتالیزم» تشبیه کرده‌اند، سخن رانده شد.^{۱۵} در پایان این بیانیه از پیشنهادهاى نهضت اقتصاد گیلان حمایت شده است و از دولتمردان خواسته می‌شود در اجرای مفاد آن کوشا باشند. آنان همچنین از دولت مستوفی حمایت کردند و ماندگاری آن را برای به جریان افتادن قرارداد تجاری ایران و شوروی ضروری دانستند و سقوط دولت وی را موجب تعلل در این امر دانستند. (سند ش ۲۶). اداره نظمیة قزوین در گزارشی به اداره حکومتی، به

تجمع سه هزار نفری تجار و کسبه در مسجد شاه قزوین، بیان نطق‌های مفصلی در مورد تجارت ایران و شوروی، پخش بیانیه‌های نهضت اقتصاد تبریز، تهران و گیلان اشاره کرده است. همچنین تلگرافهایی که از سوی این جمعیت به شاه، مجلس و رئیس‌الوزرا مخابره شده بود برای حاضران خوانده شد (سند‌های ش ۲۷ و ۲۸ و ۲۹). در این گزارش آمده است: «در خاتمه اهالی را به اقدامات سریعۀ هیأت معظم دولت امیدوار نمود و مجلس با حسن مراقبت مأموران پلیس با کمال نظم اختتام یافت.» (سند ش ۳۰). مورد ذکر شده و لحن به کار رفته در دیگر گزارشها نیز حاکی از نوعی اعتماد و همکاری با دولت است که پیش از این نیز بدان اشاره شد.

تجار خراسان نیز در حمایت از دیگر تجار، «جمعیت نهضت اقتصاد خراسان» را تشکیل دادند. آنان در بیانیه خود به تشریح عملکرد تجاری دولت شوروی پرداخته و مفاد عهدنامه‌های مابین دو کشور را بررسی کردند. تجار در بیانیه خود ضمن نام بردن از تجارتخانه‌های روسی پارس، ساخار، روس پارس، خلیوم، ونشتورک، سانترسایوز، پارس آرنفت، ترک‌شست، سندیکا، روس ترانزیت، روس پارس بانک، دوبروفلسوت، ترک پوت و غیره، که در تمام ایالات و ولایات ایران پراکنده بودند، به چگونگی عملکرد آنها اشاره می‌کنند که از طریق این تجارتخانه‌ها «مال‌التجاره روسیه مانند سیل به ایران وارد شده» ولی اجازه صدور کالاهای ایرانی داده نمی‌شود. آن مقدار محدود صادرات نیز که اجازه داده می‌شود به قیمت دلخواه آنها خریداری می‌شود. حتی در زمینه ترانزیت کالا گفته شد: «عجب‌تر آنکه اجناس همان مملکتی را که به ما اجازه حمل‌مال‌التجاره به آنجا نمی‌دهند به وسیله مؤسسات خود در بازار ایران آزادانه می‌فروشند.» (سند ش ۳۱)، چرا که دولت شوروی مدعی شده بود که علت ممانعت از ترانزیت کالاهای ایران به برخی از کشورهای اروپایی آن بود که اتحاد جماهیر شوروی هیچ‌گونه ارتباطی با آن کشورها نداشته است، ولی تجار تمامی این ادعاها را بی‌مورد دانستند. تجار خراسان در تلگرافهای خود به سران دولت، مجلس و وزارت تجارت از آنها خواستند، «بدون مراجعه به افکار عمومی تجار هیچ قسم معاهده تجارتی را رسمیت ندهد.» (۷۳ / ص ۱۵)، آنان از مجلس شورای ملی خواستند با تشکیل کمیسیونی از منتخبان تجار در مورد قرارداد تجاری غور و بررسی بیشتری انجام دهند. این دیدگاه تجار که در انعقاد قراردادهای تجاری و سیاستگذاری‌های دولت، منافع و

خواستهای تجار مد نظر قرار گیرد، بر این باور تجار متکی بود که نظر آنان مؤثر و امکان این تأثیر وجود دارد. در عین حال که این شیوه برخورد، حاکی از نوعی اطمینان و اعتماد به نفس گروهی تجار بود.

همان‌طور که در مرام‌نامه تجار گیلان نیز مطرح شد، نهضت اقتصاد با کسانی که به مرام‌نامه توافقی عمل نمایند، به شدت برخورد می‌کرد. به‌طور مثال این جمعیت با نوشتن مقاله بر ضد تجاری که با تجارتخانه‌های روسی وارد معامله شده بودند، آنان را «وطن‌فروش» خطاب می‌کند. آنان با ذکر نام و موقعیت فرد خاطی، وی را «خائن و منفعت‌طلب» ذکر می‌کنند و این عمل را برای «حفظ نظامات جمعیت و اطاعت از مقررات عمومی» ضروری می‌دانستند (۷۴ / ص ۷).

در مشهد نیز گزارشی در مورد مخالفت برخی تجار قفقازی داده شد که در حجره حاج غلامرضا جمع شده و با موضع عمومی تجار در مورد بحران تجارت ایران و شوروی مخالفت و تلگراف اتحادیه تجار خراسان را پاره و به آنان توهین نمودند. اتحادیه به دربار و شاه تلگرافی فرستاده، خواهان مجازات آنان شدند^{۱۱} و در تلگرافی به مجلس، هیأت دولت و اتاق تجارت اعلام نمودند که هر گونه اظهار نظر، نامه یا بیانیه‌ای که به غیر از طریق اتحادیه تجار و نهضت اقتصاد از سوی تجار منتشر شود، «خلاف و منسوب به جامعه ایرانی نیست.» (سند ش ۳۴). این مسأله حاکی از آن است که سرانجام در بین تجار نیز چند تنی وجود داشتند که منافع خود را بر منافع عمومی ترجیح می‌دادند ولی این تعداد معدود نیز که بیشتر تجار متوسط و دلال‌های رابط با تجارتخانه‌های روسی بودند، در روند کلی حرکت همگون تجار تأثیری نداشت.

نهضت اقتصاد تبریز پس از وصول تلگرافها و بیانیه‌های نهضت اقتصاد گیلان و دیگر شهرها به تشکیل این جمعیت در تبریز اقدام کرد. گروهی از تجار مسلمان و مسیحی تبریز طی برگزاری جلسه‌هایی، هیأت مدیره دوازده نفری انتخاب کردند^{۱۲} و برای شهرهای کوچک آذربایجان نیز «دستورهای لازم» معین کردند. نهضت اقتصاد تبریز طی تلگرافی به مجلس شورای ملی، علت تعلل مجلس در وضع «قانون مقابله به‌مثل» با دولت شوروی را پرسش کرد و لزوم انعقاد هر چه زودتر قرارداد تجارتنی را متذکر شد (۷۵ / ص ۲۸). تلگرافهای متعددی مابین جمعیت نهضت اقتصاد تبریز با دیگر شهرها مبادله شد. نهضت اقتصاد مرنند، هیأت تجار ارومیه، نهضت اقتصاد خوی و

نهضت اقتصاد آستارا طی تلگراف‌هایی به تبریز موافقت خود را با اهداف و خواست‌های مورد نظر اعلام کردند. از مشهد نیز به تبریز تلگراف شد و از نهضت تبریز خواسته شد به هیأت دولت و مجلس تلگراف کنند و نتایج اقدامهای خود را به دیگر مراکز این جمعیت ارسال کنند. این‌گونه مکاتبه‌ها حاکی از روابط گسترده و منظم بین شاخه‌های ایالتی این شبکه می‌باشد.

از شیراز نیز خبر داده‌اند که بازار بسته شده، تجار و کسبه تجمع کرده و جلسه‌ای در منزل ملک‌التجار تشکیل شده است و چند نفر انتخاب شدند تا خواستهای خود را به گوش دولت و مسؤولان امر برسانند (سند ش ۳۵). در اصفهان نیز «مجمع اقتصاديون اصفهان»، مرام‌نامه و «بیان‌نامه‌ای» منتشر کرد و همراهی خود را با نهضت اقتصاد دیگر شهرها اعلام کرد. مرام‌نامه این جمعیت از این قرار بود (۷۶):

- ۱- حتی‌الامکان استعمال و ترویج امتعه وطنی (هر چند هم گران باشد) و اجتناب و احتراز از امتعه خارجی (هر چند ارزان باشد). ۲- تشکیل شرکت: الف) تشکیل شرکتهای مهمه برای وارد کردن کارخانجات و تهیه لوازمات ضروریه که فعلاً مملکت ایران از آن فاقد است ب) تشکیل شرکتهای تعاونی.
 - ۳- سعی و اهتمام در اصلاح امور زراعتی، بستن سدها و دایر کردن معادن.
- ۴- ازدیاد اجناسی که صادرات مملکت را تشکیل می‌دهد از قبیل قالی، پنبه، ابریشم، پشم، چرم و غیره.

مجمع اقتصاديون اصفهان در پاسخ به اینکه «چه باید کرد» توصیه می‌کند که حرکت در مسیر مرام‌نامه این جمعیت، کشور را از پوشیدن «جامه ننگ بندگی» خلاصی خواهد داد. آنان در بیان‌نامه خود خطاب به «بانوان گرامی» و «خواهران عزیز» از زنان ایرانی خواستند با این جریان همراه شده و از «استعمال امتعه خارجی» بپرهیزند.^{۱۸} آنان تأسیس و بسط چنین تشکیلاتی در دیگر شهرها را نیز ضروری دانستند.

در تهران نیز «جمعیت نهضت اقتصاد مرکز» تشکیل و با حرکت عمومی تجار در سراسر کشور همراهی کرد. آنان علاوه بر طرح خطوط کلی خواستهای تجار مبنی بر لزوم تسریع در انعقاد قرارداد تجاری، از تجاری که در بازار مکاره شرکت کرده و با تجارخانه‌های روسی معامله کرده‌اند، ابراز تنفر نمودند. آنان بستن مرزها بر واردات را «نجات از مرگ اقتصادی» دانستند. تجار طی مقایسه‌ای با دولت ترکیه، عملکرد دولت

ترکیه در حفظ آزادی تجارت و اختیارات مطلق در تعرفه گمرکی را موجب ترقی این کشور دانستند (۷۷ / ص ۲۶-۲۵). جمعیت اقتصاد تهران ضمن تأیید و اعلام موارد ذکر شده در بیانیه نهضت اقتصاد گیلان به موارد دیگری نیز اشاره می‌کند که در ادامه تشکیل جلسه‌های نهضت مطرح شده است. جمع‌آوری فقرا از سطح شهر، گذراندن قانونی در مورد استخراج نفت و تسریع در افتتاح بانک ملی از مواردی بود که در جلسه‌های این جمعیت مطرح و تصمیماتی اتخاذ شد و قرار بر این گردید تا این تقاضاها با دولت در میان گذارده شود (۷۸ / ص ۲۳).

تشکیل جمعیت‌های نهضت اقتصاد در سراسر کشور، نشانه تلاش از سوی تجار برای نشان دادن وحدت و انسجام گروهی، تقویت ساختار درونی گروه و اعلام مقاومت منفی خود در قبال هجوم سرمایه‌های بیگانه، تقویت صادرات، نشان دادن تمایل به رشد صنعت و به‌کارگیری شیوه‌های جدید تجارت و سرمایه‌گذاری از طریق شرکتها و جمع‌آوری سرمایه‌های خرد، و خلاصی از قید و بندهای مالی قدرتهای بزرگ با پیشنهاد مجدد افتتاح بانک ملی بود. این جریان فکری نیز همچون هر حرکت جمعی دیگر مخالفان و موافقانی داشت.

در حمایت از خواستهای نهضت اقتصاد در اصفهان، اتحادیه اصناف اصفهان از خواستهای تجار حمایت کرد. اصناف اصفهان در قطعنامه‌ای با عنوان «وطن در خطر است» اعلام کرد که از این پس از «امتعه اجانب» استفاده نمی‌کنند و به همان کالاهای وطنی قناعت می‌نمایند و از صرف هزینه برای تهیه «اسباب لوکس و اشیای تجملی» که پول آن به «جیب اجانب» ریخته می‌شود، احتراز خواهند کرد. آنان علت عقب‌ماندگی کشور را «غفلت متمادی و پیروی نکردن از اصول تجدد» دانستند (سند ش ۳۷). در گزارش نظمیة قزوین نیز از همراهی اصناف و تجار در تجمع‌های نهضت اقتصاد خبر داده شد (سند ش ۳۸). همراهی اصناف با تجار در بیشتر حرکت‌های جمعی این دو گروه دیده می‌شود. همان‌طور که در وقایع گذشته نیز ذکر شد رهبری فکری این حرکتها با تجار بود و اصناف بیشتر به این ماجراها کشانده می‌شدند. البته در ماجرای نهضت اقتصاد، موانع تجاری در شمال کشور بی‌تردید بر موازنه عرضه و تقاضای کالاها مؤثر بود و بر قیمت اجناس در بازار داخلی تأثیر می‌گذاشت و همین امر بر کسب و کار

اصناف نیز تأثیر داشت. با وجود چنین انگیزه‌هایی صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی مبنی بر موافقت و همراهی با تجار به راحتی انجام می‌شد.

در مورد مواضع علما راجع به خواسته‌های تجار، به نظر می‌رسد همچون گذشته همراهی‌هایی وجود داشته است ولی این همکاریها به صورت گسترده صورت نگرفت. در اصفهان، حاج شیخ نورالله اصفهانی در ذیل اعلان اتحادیه اصناف، بیانیه‌ای با عنوان «اسلام در خطر است» منتشر کرد و ضمن تأیید نظریه‌های اصناف از رواج کالاهاى بیگانه در کشور انتقاد کرد. وی لزوم «تقید عملی» به استفاده از کالاهاى وطنی را ضرورتی حتمی دانست (سند ش ۳۹). عدم استفاده از اجناس بیگانه و ترویج خودبسایی ملی همواره مورد حمایت علما بوده است. همان‌طور که مشابه همین اعلان در مورد شرکت اسلامیة اصفهان و در حمایت از کالاهاى وطنی پیش از این صادر شد (۹۲ / ص ۴۰-۳۸). ولی در این مقطع زمانی به صورت یک جریان عمومی بروز نکرد و همه‌گیر نشد.

«نهضت اقتصاد» در سراسر کشور از حمایت طیف مالکان و زارعان نیز برخوردار شد. با وجود برخورد منافع بورژوازی و اشرافیت زمیندار اروپایی در مراحل مختلف تکوین نظام سرمایه‌داری در غرب، تجار و زمینداران ایرانی با یکدیگر تعارضی نداشتند. حتی تجار ایرانی به سمت سرمایه‌گذاری در بخش زمین کشانده شدند و قشر تاجر-مالک بروز کرد، علاوه بر این به دلیل ارتباط تجارت با محصولات کشاورزی از طریق صدور آنها، منافع این دو گروه به یکدیگر نزدیک شد. مالکان گیلان طی بیانیه‌ای از «نهضت اقتصاد» حمایت کردند. آنان بسته شدن راه تجارت شمال را موجب عدم فروش محصولات کشاورزی دانسته و کسادى تجارت را موجب فقر و محنت زارعان و مالکان قلمداد کردند. مالکان در بیانیه خود تجار را «آرام‌ترین طبقات مملکت» خواندند و عملکرد دولت شوروی را موجب اعتراض و برآمدن صدای آنها دانستند و در پایان هواداران استقلال و امنیت عمومی را به همکاری با تجار فراخواندند (۷۹ / ص ۱۵-۱۱).

به پیروی از مالکان، از سوی زارعان گیلان نیز نامه‌ای به شاه نوشته شد. با عنوان «هیأت حامیان زارع گیلان»، در این نامه از شاه خواسته شد برای رفع محدودیت‌های اقتصادی ایران و شوروی و برقراری تجارت آزاد اقداماتی صورت گیرد. همچنین اصلاح امور قضایی و عدلیه، سرعت در امور قضایی، توسعه اداره ثبت

اسناد و املاک و بهبود راهها و تأسیس راه‌آهن و وسایل نقلیه در جهت سرعت بخشیدن به حمل و نقل که برای بهبود شرایط زراعی و فروش محصولات کشاورزی ضروری بود، از دیگر خواستهای آنان بود (سند ش ۴۰). به این ترتیب طیف وسیعی از طبقات گوناگون کشور از تجار حمایت کردند. در این شرایط کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی دولت شوروی در ایران و برانگیخته شدن افکار عمومی می‌توانست بستر مناسبی برای فعالیتهای سیاسی انگلستان بر ضد دولت شوروی باشد و به تضعیف هر چه بیشتر موقعیت سیاسی روس‌ها در ایران کمک کند. بنابر این موضع‌گیری و واکنش سفارت انگلستان در ماجرای نهضت اقتصاد می‌توانست قابل توجه باشد، اما اسناد موجود بازتابی از این واکنش نشان نمی‌دهد.

با گسترش فعالیت نهضت اقتصاد و تلگرافها و نامه‌های ارسالی این جمعیت و اقشار مختلفی که به حمایت از آنها برآمدند، دولت نمایندگان به رشت اعزام کرد. همچنین قرار حضور نمایندگان تاجر در تلگرافخانه و مذاکره حضوری با شاه گذاشته شد تا تاجر بتوانند به طور مستقیم خواستهای خود را با شاه در میان بگذارند (۸۰ / ص ۲۸). دولت طی بیانیه‌ای به تاجر اطمینان داد که در عقد قرارداد تجارتمی، «منافع تاجر از هر جهت» در نظر گرفته خواهد شد (۸۱ / ص ۱۹). نهضت اقتصاد گیلان و مرکز اعلام کردند تا پایان مذاکرات نمایندگان اعزامی ایران به مسکو سکوت اختیار خواهند کرد. جمعیت نهضت اقتصاد اعلام کرد نمایندگان دولت شوروی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق اعلامیه‌ها و ایجاد تفرقه مابین تاجر سعی کرده‌اند، «عملیات نهضت را خنثی» نمایند (۸۲ / ص ۲۶). «چون روس‌ها به اخلاق ایرانی پی برده گمان می‌کنند که با انداختن اختلاف بین تاجر می‌توانند این آتش افروخته را خمودگی بخشند. چنانچه یک نفر سید محمد نام تاجر را در رشت به خریداری جزیی پارچه گول زده» (۸۰ / ص ۶۷)، و نوزده نفر تاجرخراسانی را واداشته برخلاف اعلان اتحادیه تاجر و نهضت اقتصاد تلگراف رضایت منتشر کنند (۸۰ / ص ۶۷). تاجر تمامی این تفرقه‌افکنی‌ها را که به گمان آنان توسط روس‌ها انجام می‌شد، بی‌فایده خواندند.

نهضت اقتصاد کنگره‌ای با حضور نمایندگان نه محل تشکیل داد و در آن اعلام شد: «با رعایت نظریات دولت تصمیم قطعی اتخاذ گردید که روز دوشنبه ۲۱ فروردین [سال ۱۳۰۶ خورشیدی] گمرکات شمال را تحت نظر گرفته از واردات و صادرات

متخلفین استحضاری حاصل نمایند.» (۸۲ / ص ۲۶)، اعضای نهضت اقتصاد ضمن بی‌نتیجه خواندن عزیمت انحصاری نماینده ایران به مسکو، از دولت خواستند با بستن سرحدات هر چه زودتر جلوی فلاکت و بدبختی عمومی گرفته شود (۸۲ / ص ۲۶).

از آنجایی که اعلامیه و بیانیه‌های نهضت اقتصاد در صورتی که جنبه عملی نمی‌یافت اعتبار حرکت عمومی تجار را متزلزل می‌کرد، هر نوع عدم همراهی از سوی تجار ولو یک نفر از آنها می‌توانست پایه‌های اتحاد عمومی آنان را سست کند. از این رو، عدم همراهی هر تاجر به شدت منکوب و حتی افراد تهدید جانی می‌شدند.^{۱۹} لازمه عملی شدن خواسته‌های تجار، همراهی تمامی آنها و همکاری دولت با آنها در بستن مرزها بود. تجار از طریق اتاق تجارت و شورای عالی تجارت، دیدگاه‌های خود را برای عقد قرارداد تجارتهای در جزئیات مفاد قرارداد مطرح کردند. اتاق تجارت تهران تقاضای تشکیل کمیسیونی برای اعمال دیدگاه‌های تجار در نظام‌نامه تجاری ایران و شوروی کرد و عنوان نمود نظام‌نامه باید با نظر تجار تدوین شود و مسائل مورد نظر تجار مد نظر قرار گیرد. مشخص است که تجار در همه موارد مذاکرات و تنظیم قرارداد سعی در حضور و نظارت دایم در روند مذاکرات داشتند. پیش‌نویس قرارداد تجارتهای به همت وزیر فواید عامه به کمیسیون فرعی شورای عالی تجارت ارسال شد تا تجار نظریه‌های خود را به صورت پیشنهاد به دولت اعلام نمایند (۸۴ / ص ۱). از سوی دیگر دولت سعی داشت از مذاکره و ارتباط مستقیم تجار با نمایندگان دولتهای خارجی جلوگیری کند، چرا که آن را به صلاح اقتدار خود و منافع عمومی نمی‌دانست (سندهای ش ۴۱).

تجار مسأله مبادلات پولی با روس‌ها را مطرح کردند که مشکلات بسیاری ایجاد می‌کرد. تجار ایرانی با صدور کالاهایی مثل برنج، خشکبار و دیگر کالاها به شوروی پول روسی «چرونس»^{۲۰} دریافت می‌کردند. این پول به بانک روس و ایران تحویل داده می‌شد و به قران تبدیل می‌گردید. در مواردی که بانک از پذیرش اسکناس‌های روسی سر باز می‌زد، قیمت آن کاهش می‌یافت و تجار خسارتهای بسیار متقبل می‌شدند (۸۵ / ص ۱۶-۱۷). تجار همچنین در مورد مسأله ترانزیت و حق مبادله پنجاه میلیون منات کالای تجاری برای دو کشور پیشنهادهایی مطرح کردند و با توجه به تغییر ارزش منات آن را عادلانه ندانستند (۸۶ / ص ۲۴). به‌رحال کوششهای تجار و گسترش فعالیت‌های آنان در سراسر کشور، دولت را به تلاش هر چه بیشتر برای انعقاد قرارداد تجارتهای

عادلان‌تری با شوروی واداشت و عهدنامه‌ای در هشت فصل در ۸ مهر ۱۳۰۶ اول اکتبر ۱۹۲۷ بین نمایندگان ایران و شوروی به امضا رسید.^{۲۱} اما این قرارداد نیز همه خواسته‌های تجار ایرانی را برآورده نکرد.^{۲۲}

فرجام سخن

سهمی که تجارت با روسیه در دوران تزاری در کل تجارت خارجی ایران داشت، صرفاً به سبب موقعیت خاص سیاسی آن کشور در ایران نبود، بلکه دلایلی تجاری نیز در این امر دخیل بود. به همین دلیل با وجود تغییر نظام سیاسی در روسیه و دگرگونی در تعادل نیروهای سیاسی بیگانه در ایران، همچنان از نظرگاهی صرفاً تجاری و اقتصادی، تجار به تداوم روابط تجاری خود با آن کشور تمایل داشتند. در این میان دولت شوروی بنابر رویه‌ای عمومی که در آن زمان اتخاذ کرده و بر روابط بازرگانی خود با کشورهای «سرمایه‌داسری» حاکم ساخته بود، سیاستی را پی گرفت که از جمله به‌بحرانی شدن روابط تجاری میان آن کشور و تجار ایرانی انجامید.

نهضت اقتصاد علاوه بر آنکه بازتاب بحران اقتصادی میان ایران و شوروی بود، گویای تداوم فعالیت‌های منسجم طبقه تجار برای طرح خواسته‌های گروهی نیز محسوب می‌شد. مهمتر از آن شکل سازمان‌یافته جدیدی بود از خواسته‌های مطرح شده تجار در جنبش مشروطیت که در این مقطع زمانی دوباره طرح شد. تجار امید داشتند که حکومت جدیدی که به آن دل بسته بودند در جهت خواسته‌های آنان عمل کند. آنان خواستار حمایت دولت از تجار داخلی، متوازن کردن واردات و صادرات، ممنوعیت ورود اشیای تجملی و قطع معاملات تجاری با شوروی تا انعقاد قرارداد تجاری جدید بودند. در بیانیه تجار سراسر کشور گرایشی به سرمایه‌گذاری صنعتی، توسعه راهها و راه آهن، بهبود حمل و نقل، توسعه صادرات و به‌کارگیری شیوه‌های جدید تجارت، تأسیس شرکتها و خلاصی از نظارت قدرتهای خارجی در امور مالی با پیشنهاد مجدد تأسیس بانک ملی مطرح شد. این خواستها که در آغاز جنبش مشروطیت با ناکامی مواجه شد، در اوایل دوران پهلوی دوباره مطرح گردید. تجار در این مرحله خواهان مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی و تجاری بودند، و پیشنهاد تشکیل کمیسیونی از متخبران تجار برای بررسی کارشناسانه قراردادهای تجاری حاکی از تمایل آنان به حضور در فعالیت‌های سیاسی به‌منظور بهبود شرایط اقتصادی مرتبط با خود بود.

پی‌نوشت

- ۱- این مقاله مبتنی بر اسناد موجود در سازمان اسناد ملی با عنوان مرکز اسناد ملی با علامت اختصاری (م. ا. م) و اسناد مجموعه ارزشمند امین‌الضرب با علامت اختصاری (آر. ا. ض) و اسناد مربوط به مرکز اسناد ریاست جمهوری با علامت اختصاری (م. ا. ر) و دیگر اسناد و منابع منتشر شده در روزنامه‌ها تنظیم گردیده است. در این جا برخورد واجب می‌دانم از دکتر اصغر مهدوی برای در اختیار گذاردن برخی از اسناد این مجموعه سپاسگزاری کنم. در ضمن تاریخ‌ها در این مقاله به صورت هجری قمری . میلادی می‌باشد.
- ۲- مبحث هیأت اتحادیه تجار در مقاله دیگری با مشخصات زیر منتشر گردیده است: سهیلا ترابی فارسانی، «هیأت اتحادیه تجار»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، مجله تخصصی گروه تاریخ، سال دوم (۱۳۸۰)، ش ۱، ص ۳۱۷-۲۹۳.
- ۳- فصل بیستم قرارداد ۱۳۴۰ / ۱۳۲۱ ایران و شوروی به قرار ذیل بود: «طرفین معظمین متعاهدین متقابلاً به هم دیگر حق ترانزیت می‌دهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه به ممالک ثالثی مال التجاره حمل نمایند. ضمناً بر مال التجاره حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال التجاره دول کامله الوداد، غیر از ممالک متحده با جمهوری اتجاد شوروی روسیه اخذ می‌شود، نباید تعلق گیرد.» (برای آگاهی از متن قرارداد نگاه کنید به: «نص عهدنامه ایران و روس»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۴۵ . ۴ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲ و ۳، ص ۲۹-۲۶.
- ۴- در این گزارش از تجارتخانه روتیو، سانتراسایوز و فلوپکم که روسی بودند، نام برده شده است (گزارش اداره گمرک شمال (مشهدسر)، [۱۹۲۳ میلادی]، وزارت مالیه، (۶۰-۵۸) ۴۸ . ۲۵۱ [۲۴۰]، (م. ا. م).
- ۵- در گزارش گمرک آستارا به رئیس کل گمرک گفته شد این مراکز جنسی را که فقط پنج قران بیشتر ارزش ندارد پانزده قران به فروش می‌رسانند و در مقابل اجناس به‌خصوص برنج، پوست و خشکبار که برای فروش به آنها واگذار می‌شد به قیمت نازل می‌خریدند. به عبارت دیگر روس‌ها میل داشتند انحصار تجارت به این دو کمپانی یا بهتر گفته باشیم به خود دولت منحصر باشد (گزارش گمرک آستارا به رئیس کل گمرک، ۲۵ مه ۱۹۲۲، وزارت مالیه ۱۴۶ . ۴۸ . ۲۵۱ [۲۴۰]، (م. ا. م).
- ۶- اتاق تجارت روسیه از طریق شورای پانزده نفری از اعضای منتخب اداره می‌شد. در جلسه عمومی اعضای افتخاری و دایم و «اعضای ذوالید عملی» وجود داشتند. نماینده‌ای از کمیساریای امور خارجه، کمیساریای تجارت خارجه و نماینده‌ای از کمیساریای داخله در امور رسیدگی می‌کردند. شورای این مرکز از میان اعضای منتخبه، رئیس و اجزای اداره را

انتخاب می‌کردند. کمیسیون مخصوصی برای بازرسی از عملکرد این مرکز تأسیس شد که آن نیز دارای ضوابط خاصی بود. برای آگاهی بیشتر از تشکیلات اتاق تجارتنی روسیه و عملکرد آن نگاه کنید به: «نظام‌نامه اطاق تجارتنی روسیه با ممالک شرق». مسکو، ۱۹۲۳ میلادی، (آر. ا. ض).

۷- روزنامه ایران، ۲ رجب ۲/۱۳۴۰ مارس ۱۹۲۲، ش ۱۰۸۹، ص ۳؛ اداره گمرک گزارش داد با وجود ممنوعیت و امتناع مأموران دریایی شوروی، تجار ایرانی برای حل مشکلات خود مرکبات را به وسیله کرجی‌های تراکمه به خاک روسیه حمل می‌کنند «گزارش اداره گمرک به رئیس کل گمرک»، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، ۵۵ - ۴۸، ۵۲، [۲۴۰] (م. ا. م).

۸- «تلگراف تجار رشت به مجلس شورای ملی»، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۶ - ۴۸، ۵۱، ۲۵۱، [۲۴۰] (م. ا. م)؛ «تلگراف تجار استرآباد به مجلس شورای ملی»، ۷ قوس ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۴۸، ۷۸، ۲۵۱، [۲۴۰] (م. ا. م)؛ از مجلس شورای ملی به وزارت مالیه در مورد شکایت تجار استرآباد، وزارت مالیه ۴۸، ۷۵، ۲۵۱، [۲۴۰] (م. ا. م)؛ «تلگراف تجار مشهدسر به مجلس شورای ملی»، ۱۶ حمل ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۱۷۳، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰] (م. ا. م)؛ «تلگراف تجار بارفروش به مجلس شورای ملی»، ۲۸ محرم ۱۳۴۰، وزارت مالیه ۴۸، ۱۴۲، ۲۵۱، [۲۴۰] (م. ا. م)؛ از پیشکار مالیه ایالتی مازندران به وزارت مالیه، ۲۰ جدی ۱۳۰۱، وزارت مالیه ۴۸، ۱۴۴، ۲۵۱، [۲۴۰] (م. ا. م).

۹- گزارشهایی نیز از درگیری‌های ایران و شوروی بر سر شیلات و «قرارداد مسکوکات» اعلام شد. نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۳۲، ش ۳، ص ۱۰ - ۹.

۱۰- گفته شد که دولت شوروی تا صدی ده و پانزده معاملات نقدی را پذیرفته در مورد ترانزیت نیز عبور کالاهای ایران از روسیه به اروپا پذیرفته شد ولی صدور کالا از کشورهایی که شوروی با آنها روابط نداشت، ملغی شد (اطلاعات، ۸ ذی حجه ۱۳۴۵، ژوئن ۱۹۲۷، ص: ۱).

۱۱- در ملاقات آرانسون رئیس تجارت شرق دولت شوروی با تجار رشت مذاکره‌هایی صورت گرفت و پیشنهادهایی در مورد افزایش قیمت اجناس روسیه به واسطه ترقی نرخ بورس و لزوم افزایش قیمت کالاهای ایرانی مطرح شد. همچنین عنوان شد که نصف اجناس انحصاری وارداتی باید به تجار ایرانی داده شود («سواد راپورت نظمیه گیلان، ۱۷ بهمن ۱۳۰۸، وزارت کشور، ۴ - ۲، ۲۲۱، [۲۹۰] (م. ا. م).

۱۲- بالاخره در سال ۱۳۰۶ خورشیدی لایحه تعرفه گمرکی ایران و شوروی به مجلس شورای ملی تقدیم شد. برای آگاهی از مفاد پیش‌نویس قرارداد نگاه کنید به: (اطلاعات، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶، اکتبر ۱۹۲۷، ص ۱؛ همان جا، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶، اکتبر ۱۹۲۷، ص ۳).

- ۱۳- تجار همدان خلاصه پیشنهادهای خود را در موارد زیر بیان کردند: ۱- تا میزان ده کرور تومان از عواید انحصار قند و شکر و چای برای بستن سد اهواز، ترویج زراعت چغندر و شکر در خوزستان و زراعت چای در شمال ایران و پنبه در مشرق و شمال کشور اختصاص یابد. ۲- پس از انجام اصلاحات فوق به ایجاد راه آهن مبادرت شود. ۳- راجع به واردات مملکتی و تعیین اشیای غیر ضروری و منع ورود آنها در حدود چیزهایی که مواد اولیه آن در مملکت باشد و جمعیت بیکار فعلی بتواند نظائر آنها را تهیه نماید. ۴- تشویق و تقویت و در حقیقت احیا و حمایت واقعی از صنعتگران داخلی. (از «اتحادیه تجار همدان به وزارت تجارت و فلاحت» ۲۷ رمضان ۱۳۴۸، نخست وزیری، ۴۳، ۲، ۱، [۳۱۰]، (م. ا. م.)).
- ۱۴- در گزارش آمده است جلسه سوم جمعیت در منزل آقا کاظم آقا و جلسه چهارم شب سه شنبه در منزل حاجی غلام رضا تشکیل شد (گزارش اداره نظمیة قزوین به حکومت، ۹ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۶، ۳۵، ۴۴، [۲۹۳]، (م. ا. م.)).
- ۱۵- عملکرد دولت شوروی به این قسم تشریح شد: «در خرید اجناس داخلی ایران در اول وسایل ترقی را فراهم کرده همین که تجار زیر بار بروند غفلتاً تزییقاتی پیش می آورند که تجار و کسبه اقلأ نصف سرمایه مختصر خود را از دست بدهند. چنانکه در سال گذشته در اول خشکبار را روس ها ترقی داده همین که کلیه اموال خود را جمع کردند ناگهان سرحدات را بسته تمام اموال ایرانی را در سرحد معدوم نمودند. همچنین در فروش اجناس خودشان مظنه قند و نفت و غیره را نوعی می نمایند که تجار متفرقه در فروش همان اجناس در ولایات ایران ضرر نمایند. همین که تجار داخلی را از پا در آورند به وسیله عمال خصوصی در کوچکترین قرای ایران مشغول خرید امتعه ایرانی شده آن را هم به نازل ترین قیمت جمع آوری می نمایند. چنانکه فعلاً چندین ماه است در دهات اطراف قزوین عمال روس، کشمش سبزه را خروازی هشت الی ده تومان خریداری کرده، در صورتی که این قیمت تنها خرج تهیه نمودن سبزه و تأدیه مالیات آن را تکافو می نماید» (بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد قزوین»، ۱۴ بهمن [۱۳۰۶] وزارت کشور، ۹، ۳۵، ۴۴، [۲۹۳]، (م. ا. م.)).
- ۱۶- اسامی تجاری که خواهان مؤاخذة و مجازات این افراد شدند: علی بزرگ نیا، محسنیان، عبداللهیان، مستوفی اف، حسن تبریزی و جواهری بودند (از دربار به ایالت خراسان، ۶ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م. ا. ر.); تلگراف اتحادیه تجار خراسان به دربار، ۵ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م. ا. ر.)).
- ۱۷- در گزارش از تشکیل جمعیت نهضت اقتصاد تبریز گفته شده است پس از جلسه های متعدد، هیأت منتخبه بیست و سه نفره که سابق انتخاب شده بودند، «به پاره ای نظریات» استعفا کردند و هیأت مدیره دوازده نفری جدید انتخاب شدند. از سوی دیگر در تلگراف

جمعیت مشهد به تبریز گفته شده با اینکه آذربایجانی‌ها همیشه در اموری که به «حفظ استقلال و شرافت ایران» مرتبط بوده است، پیشقدم بودند، «علت چیست با اطلاع به وضعیت و عدم آزادی تجارت شمال ساکت و با همکاران خود هم‌صدا و اظهار موافقت نمی‌فرمایید» با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد عوامل یا شرایطی در تبریز مانع واکنش به‌موقع و فعال این جمعیت شده بود که بدین شکل از سوی هم‌صنفان خود مورد انتقاد قرار گرفت («نهضت اقتصاد تبریز»، جیل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵، ۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش: ۱۵-۱۴، ص ۲۹-۲۸).

۱۸ - «مجمع اقتصاديون اصفهان» می‌نویسد: حریر فرانسوی که ظاهراً ارزان‌تر بود جایگزین دبیای شوستری و مخمل و زری فرنگی به‌جای مخمل کاشانی و زری اصفهان شد و سپس کارخانه‌های وطنی تعطیل و بیکاری گسترش یافت. این مجمع از زنان می‌خواهد برای خوشبختی خانوادگی خود اجتناب از بیکاری همسرانشان در جهت استفاده از کالاهای وطنی کوشا باشند.

۱۹ - در مورد تاجری که به طمع یا ناآگاهی یا دسیسه روس‌ها با آنها معامله کرده، گفته شد اعتبار وی رفته و «جاننش در معرض خطر است» و خطاب به ۱۹ تاجر خراسانی که تلگراف رضایت و التجا به نمایندگان روسیه به تهران مخابره کرده بودند، گفته شد: «خیلی زود لوٹ وجودتان از وطن مقدس پاک خواهد گردید.» (جیل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵، ۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش: ۱۵-۱۴، ص ۷-۶).

۲۰ - چرونس: لغتی روسی به معنی پول کاغذی یا اسکناس و هر چرونس معادل ده منات بود.

۲۱ - برای آگاهی بیشتر و آشنایی با برخی اسناد «نهضت اقتصاد» نگاه کنید به: محمود طاهر احمدی، اسناد روابط ایران و شوروی، (تهران، سازمان اسناد ملی، ۱۳۴۷)، ص: ۱۰۷ - ۷۸.

۲۲ - برای آگاهی از متن قراردادهای گمرکی ایران و شوروی نگاه کنید به: حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، (تهران، ناشر، ۱۳۶۱)، ج ۴، ص: ۳۷۶ - ۳۷۲، ۳۳۲ - ۵۳۰.

منابع

الف - اسناد

- ۱ - گزارش اداره گمرک شمال (مشهدسر)، [۱۹۳۲ میلادی] وزارت مالیه، (۶۰ ۵۸)، ۴۸، [۲۴۰] ۲۵۱، (م. ا. م).
- ۲ - گزارش گمرک آستارا را به رئیس کل گمرک، ۲۵ مه ۱۹۲۲، وزارت مالیه، ۱۴۸، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م. ا. م).

- ۳- از وزارت امور خارجه به وزارت داخله، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۷، وزارت کشور، (۲)، ۶۱۱، ۴، [۲۹۰] (م.ا.م).
- ۴- «نظامنامه اتاق تجارتي روسيه با ممالک شرق، مسکو، ۱۹۲۳ میلادی، (آر.ا. ض).
- ۵- تلگراف از مشهد به وزیر دربار پهلوی، ۵ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر).
- ۶- حاج عباس علی ملکی از مسکو به امین‌الضرب، ۱۶ صفر ۱۳۴۲، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا. ض).
- ۷- مواد مکتوب هیأت تجار انزلی به گمرک ایالتی گیلان، [سال ۱۳۰۲ خورشیدی]، وزارت مالیه، ۴۸، ۳۵، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- ۸- گزارش اداره گمرک به رئیس کل گمرکات، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، (۶۹-۷۲)، ۴۸، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- ۹- گزارش گمرک انزلی به اداره کل گمرکات، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، (۲۳)، ۴۸، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- ۱۰- گزارش اداره گمرک به رئیس کل گمرکات، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، ۵۵، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- ۱۱- تلگراف تجار رشت به مجلس شورای ملی، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۶- [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- تلگراف تجار استرآباد به مجلس شورای ملی، ۷ قوس ۱۳۰۱، وزارت مالیه، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م)؛
- از مجلس شورای ملی به وزارت مالیه در مورد شکایت تجار استرآباد، وزارت مالیه، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م)؛
- تلگراف تجار مشهدسر به مجلس شورای ملی، ۱۶ حمیل ۱۳۰۱، وزارت مالیه، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م)؛
- تلگراف تجار بارفروش به مجلس شورای ملی، ۲۸ محرم ۱۳۴۰، وزارت مالیه، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م)؛
- از پیشکار مالیه ایالتی مازندران به وزارت مالیه، ۲۰ جدی ۱۳۰۱، وزارت مالیه، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- ۱۲- از هیأت اتحادیه تجار طهران به مجلس شورای ملی، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، (۹۴- ۹۳) ۴۸، [۲۴۰] [۲۵۱] (م.ا.م).
- ۱۳- «هیأت اتحادیه تجار طهران به وزارت امور خارجه، ۲۳ محرم ۱۳۴۰، (آر.ا. ض).

- ۱۴ - گزارش از مازندران، [بی تا]، وزارت کشور، ۱۸، ۱۴۷، ۳، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۱۵ - فلاحان و زارعان مازندرانی به مجلس شورای ملی، عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، (۹۷ - ۹۶) ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م.ا.م)؛
- از مجلس شورای ملی به وزارت مالیه، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، (۹۸) ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م.ا.م).
- ۱۶ - از وزارت فواید عامه به وزارت امور خارجه، ۲۴ سرطان ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۲، ۱۳۴، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م.ا.م).
- ۱۷ - از اداره گمرک به رئیس کل گمرکات، سال ۱۳۰۱ خورشیدی، وزارت مالیه، ۲۶، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به وزارت مالیه، سال ۱۳۰۱ خورشیدی، وزارت مالیه، ۲۷، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛ از وزارت امور خارجه به اداره کل گمرکات، ۲۰ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۲۶، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛ از اداره گمرکات به وزارت مالیه، سال ۱۳۰۱ خورشیدی، وزارت مالیه، (۲۱)، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛ از وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، ۹ ثور ۱۳۰۲، وزارت مالیه، ۳۱، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛ از اداره کل گمرکات به وزارت مالیه، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، (۶۷ - ۶۶)، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م.ا.م).
- ۱۸ - از وزارت مالیه به اداره گمرکات، ۴ حمل ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۱۸۱، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م.ا.م).
- ۱۹ - از اداره گمرکات به رئیس کل گمرکات، ۸ ثور ۱۳۰۲، وزارت مالیه ۷۲ - ۶۹، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛
- از اداره گمرکات به وزارت مالیه، ۹ فروردین ۱۳۰۲، وزارت مالیه، ۶۳، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛
- از اداره گمرکات به اداره کل گمرکات، ۱۹ حمل ۱۳۰۱، وزارت مالیه، (۶۵ - ۶۴)، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛
- از اداره گمرکات به وزارت امور خارجه، ۲۷ سنبله ۱۳۰۲، وزارت مالیه، (۶۷ - ۶۶)، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛
- از اداره گمرکات به رئیس کل گمرکات، [بی تا]، (۵۵ - ۵۴)، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛
- اداره گمرکات به اداره کل گمرکات، [بی تا]، وزارت مالیه، ۶۰ - ۵۸، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]؛ (م.ا.م).
- ۲۰ - مراسله اداره مرکزی کل گمرکات با وزارت مالیه و فواید معامله، ۱۱ مه ۱۹۲۲، وزارت مالیه، ۱۲۵، ۴۸، ۲۵۱، [۲۴۰]، (م.ا.م). ۲۱ - سواد راپورت نظمیه گیلان، ۱۷ بهمن ۱۳۰۸، وزارت کشور، ۴ - ۲، ۲۲۱، [۲۹۰].
- ۲۲ - تلگراف هیأت اتحادیه تجار همدان به مقامات عالییه مملکتی، ۶ بهمن ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۰، ۳۹، ۴۴، [۲۹۳] (م.ا.م)؛

- از اتحادیه تجار همدان به وزارت تجارت و فلاحه، ۲۷ رمضان ۱۳۴۸، نخست وزیری، ۴۳، ۲، ۱، [۳۱۰]، (م.ا.م).
- ۲۳ - گزارش اداره نظمی قزوین به حکومت، ۹ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۶، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۲۴ - از اداره بلدی قزوین به وزارت داخله، ۱۷ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۷، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۲۵ - بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد قزوین، ۱۴ بهمن [۱۳۰۶]، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۹، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۲۶ - بیانیه هیأت اتحادیه تجار قزوین، [سال ۱۳۰۶ خورشیدی]، وزارت مالیه، ۴۳، ۱، ۱۸۵، [۲۴۰]، (م.ا.م).
- ۲۷ - از اداره نظمی قزوین به حکومت جلیله، ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۱، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۲۸ - از اداره کل تشکیلات نظمی به وزارت داخله، ۷ فروردین ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۲، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۲۹ - از حکومت قزوین به وزارت داخله، ۱۰ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۴، [۲۹۳]، (م.ا.م)؛ از حکومت قزوین به وزارت داخله، ۲۴ اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۵، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۳۰ - از اداره نظمی قزوین به حکومت جلیله، ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴۴، ۳۵، ۱، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۳۱ - بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد خراسان، ۱۸ اسفند ۱۳۰۵، (آر. اض.).
- ۳۲ - از دربار به ایالت خراسان، ۶ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر).
- ۳۳ - تلگراف اتحادیه تجار خراسان به دربار، ۵ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر).
- ۳۴ - تلگراف تجار به ریاست وزرا و مجلس، ۱۴ بهمن ۱۳۰۵، ۱۰، ۱۰۴، ۱۰۵۸۴، (م.ا.م).
- ۳۵ - تلگراف از شیراز به ریاست وزرا، ۱۹ مهر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۵، ۱۰۴، ۰۱، (م.ا.م).
- ۳۶ - بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد طهران، اول اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۲ - ۴۴، ۵۶، ۱، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۳۷ - قطعنامه اتحادیه اصناف اصفهان، ۱۱ آذر ۱۳۰۵، نخست وزیری، (۲ - ۱)، ۵۳، ۵، [۳۱۰]، (م.ا.م).

- ۳۸ - راپورت اداره نظمیة قزوین به حکومت، ۹ بهمن ۱۳۰۵، نخست وزیری، ۴۴، ۳۵، ۶، [۲۹۳]، (م.ا.م).
- ۳۹ - بیانیه شیخ نورالله اصفهانی، ۱۱ آذر ۱۳۰۵، نخست وزیری، ۴، ۵۳، [۳۱۰]، (م.ا.م).
- ۴۰ - از هیأت حامیان زارع گیلان، به شاه، ۱۹ تیر ۱۳۰۵، نخست وزیری، ۴، ۱۹، [۳۱۰]، (م.ا.م).
- ۴۱ - از وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه به ریاست وزرا، ۲۳ آبان ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴، ۱۰۴، ۰۱، (م.ا.م)؛
- سواد مراسله حکومت بندر جز به وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه ۶ مهر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴، ۱۰۴، ۰۱، (م.ا.م)؛
- از وزارت داخله به ریاست وزرا، ۱۱ آذر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴، ۱۰۴، ۰۱، (م.ا.م)؛
- از ریاست وزرا به وزارت داخله، ۴ آذر ۱۳۰۶، ۴، ۱۰۴، ۰۱، (م.ا.م).
- 42 - Tableau General commerce avec les pays etrangers pendant l'annee' Takhaghoui IL
(21 Mars 1921 - 20 Mars 1922), (Tehran, 1992).

ب. روزنامه‌ها

- ۴۳ - «مراسله کمیسر ملی امور خارجه روسیه به رئیس‌الوزرا ایران»، جبل‌المتین، سال ۳۴، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۴، ۲۳ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۲.
- ۴۴ - «نص عهدنامه ایران و روس»، جبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵ / ۴ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲ و ۳.
- ۴۵ - «تجارت ایران و روس»، جبل‌المتین، سال ۳۴، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۴۵ / ۲۰ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۳.
- ۴۶ - ایران آزاد، ۲۷ محرم ۱۳۴۱ / ۲۳ اوت ۱۹۲۲، ش: ۸۹.
- ۴۷ - اطلاعات، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵ / ۲۰ دسامبر ۱۹۲۶.
- ۴۸ - «راجع به تجارت شمال»، اطلاعات، ۲۹ شعبان ۱۳۴۶ / ۲۲ فوریه ۱۹۲۸.
- ۴۹ - جبل‌المتین، سال ۳۲، ۳ ذی‌حجه ۱۳۴۲ / ۷ جولای ۱۹۲۴، ش ۳.
- ۵۰ - اطلاعات، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ / ۱۹ اکتبر ۱۹۲۷.
- ۵۱ - روزنامه ایران، ۱۴ شعبان ۱۳۴۰ / ۱۳ آوریل ۱۹۲۲، ش ۱۱۱۴.
- ۵۲ - روزنامه ایران، ۱۹ شعبان ۱۳۴۰ / ۱۸ آوریل ۱۹۲۲، ش ۱۱۱۷.

- ۵۳ - روزنامه ایران، ۲ رجب ۱۳۴۰ / ۲ مارس ۱۹۲۲، ش ۱۰۸۹.
- ۵۴ - روزنامه ایران، ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ / ۲۵ دسامبر ۱۹۲۱، ش ۱۰۴۴.
- ۵۵ - روزنامه ایران، ۵ جمادى‌الاول ۱۳۴۰ / ۶ نوامبر ۱۹۲۱، ش ۱۰۵۱.
- ۵۶ - روزنامه ایران، ۱۰ شوال ۱۳۴۳ / ۴ مه ۱۹۲۵، ش ۱۸۱۴.
- ۵۷ - حبل‌المتین، سال ۳۲، ش ۳.
- ۵۸ - ایران آزاد، ۲۲ محرم، ۱۳۴۱ / ۱۵ سپتامبر ۱۹۲۲، ش ۸۶.
- ۵۹ - روزنامه ایران، اول رجب ۱۳۴۰ / اول مارس ۱۹۲۲، ش ۱۰۸۸.
- ۶۰ - حبل‌المتین، سال ۳۲، ش ۱۲ - ۸.
- ۶۱ - اطلاعات، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۶ / ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۷.
- ۶۲ - اطلاعات، ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۵ / ۶ ژوئن ۱۹۲۷.
- ۶۳ - اطلاعات، ۲۹ شعبان ۱۳۴۶ / ۲۲ فوریه ۱۹۲۸.
- ۶۴ - اطلاعات، ۳۰ جمادى‌الثانی ۱۳۴۵ / ۶ ژانویه ۱۹۲۷.
- ۶۵ - اطلاعات، اول جمادى‌الثانی ۱۳۴۵ / ۷ دسامبر ۱۹۲۶.
- ۶۶ - حبل‌المتین، سال ۳۶، ۲۵ جمادى‌الثانی ۱۳۴۶ / ۲۰ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲.
- ۶۷ - حبل‌المتین، سال ۳۶، ۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ / ۲۴ آوریل ۱۹۲۸، ش ۲.
- ۶۸ - اطلاعات، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ / ۸ اکتبر ۱۹۲۷؛ همانجا، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ / ۶ اکتبر ۱۹۲۷.
- ۶۹ - حبل‌المتین، سال ۳۶، ۱۶ رجب ۱۳۴۶ / ۱۰ ژانویه ۱۹۲۸، ش ۴ و ۵.
- ۷۰ - اطلاعات، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶ / ۶ اکتبر ۱۹۲۷.
- ۷۱ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵ / ۱۵ فوریه ۱۹۲۷، ش ۹.
- ۷۲ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵ / ۱۵ فوریه ۱۹۲۷، ش ۹.
- ۷۳ - «راجع به قرارداد ایران و روس»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۵ جمادى‌الثانی ۱۳۴۵ / ۲۱ دسامبر ۱۹۲۶، ش ۱.
- ۷۴ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵ / ۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۴ و ۱۵.
- ۷۵ - «نهضت اقتصاد تبریز»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵ / ۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵-۱۴.
- ۷۶ - «مرام‌نامه مجمع اقتصاد اصفهان»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵.

- ۷۷ - «بیانیه نهضت اقتصاد مرکز، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۴۵ / ۲۴ مه ۱۹۲۷، ش ۲۲ - ۲۱.
- ۷۸ - «بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد - طهران»، حبل‌المتین، سال ۳۶، ۲۵ جمادى‌الثانى ۱۳۴۶ / ۲۰ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲.
- ۷۹ - «بیانیه مالکان گیلان»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۹ شوال ۱۳۴۵ / ۱۲ آوریل ۱۹۲۷ ش ۷ - ۱۶.
- ۸۰ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵ / ۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵ - ۱۴.
- ۸۱ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۵ جمادى‌الثانى ۱۳۴۵ / ۲۱ دسامبر ۱۹۲۶، ش ۱.
- ۸۲ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۵ / ۲۴ مه ۱۹۲۷، ش ۲۱ - ۲۲.
- ۸۳ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵ / ۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵ - ۱۴.
- ۸۴ - حبل‌المتین، سال ۳۵، ۶ رجب ۱۳۴۵ / ۱۱ ژانویه ۱۹۲۷، ش ۴.
- ۸۵ - حبل‌المتین، سال ۳۴، ۲ شعبان ۱۳۴۴ / ۱۶ فوریه ۱۹۲۶، ش ۶.
- ۸۶ - حبل‌المتین، سال ۳۶، ۱۴ شعبان ۱۳۴۶ / ۷ فوریه ۱۹۲۸، ش ۹.

ج. کتاب‌ها

- ۸۷ - بهار، محمدتقی. *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، ج ۱، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۸۸ - طاهر احمدی، محمود. *اسناد روابط ایران و شوروی*، سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸۹ - مستوفی، عبدالله. *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۳، زوار، تهران، ۱۳۷۰.
- ۹۰ - مکی، حسین. *مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
- ۹۱ - مکی، حسین. *تاریخ بیست‌ساله ایران*، ج ۴، ناشر، تهران، ۱۳۶۱.
- ۹۲ - نجفی، موسی. *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی*، [بی‌جا]، ۱۳۹۶.